

حجاب در ادیان الهی

<?xml encoding="UTF-8?">

فطری بودن پوشش

حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است که حجاب و عفاف، یک امر فطری است.

داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می کند. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است)، می خوانیم:

«و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر، خوش نما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس، از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد* آن گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان اند؛ پس برگ های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند...»..

بعد ادامه می دهد:

«و آدم، زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که او مادر جمیع زندگان است * و خداوند خدا رخت ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید». (1)

بر طبق این متن، آدم و حوا لباسی نداشتند و بعد از خوردن شجره ممنوعه چشمانشان باز شد و فهمیدند که عریان اند که بلافاصله با برگ درختان خود را پوشانند و بعداً خداوند لباسی از پوست بدیشان ارزانی داشت.

در قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا چنین آمده است:

فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ؛ (2)

آن گاه که آدم و حوا از درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست داده (عورتشان آشکار گردید). و به سرعت، با برگ درختان بهشتی خود را پوشانند.

طبق آیات شریفه قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بوده اند؛ اما با خوردن از آن درخت ممنوعه (بر اثر اغوای شیطان) لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند.

به هر حال، مطابق هر دو نقل، پس از احساس برهنگی (خواه طبق نقل تورات قبل از آن دارای لباس نبوده و یا طبق قرآن کریم دارای لباس بوده اند) بلافاصله خود را با برگ های درختان بهشتی پوشانند.

این احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه، و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ ها (ولو به طور موقت)، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و یا تذکر هر یک به دیگری صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می کند که لباس و پوشش، به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است؛ بلکه انسان های نخستین، یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان ها، به طور فطری بدان گرایش داشته اند.

و بنا به گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. هرچند حجاب در طور تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است.

اگر به لباس ملّی کشورهای جهان بنگریم، به خوبی حجاب و پوشش زن را در آن می بینیم. دقّت در لباس ملّی کشورها ما را از ورق زدن کتب تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی که زنان آنها دارای حجاب بوده اند، بی نیاز می سازد و به خوبی اثبات می کند که حجاب در میان اکثر ملت های جهان، معمول بوده و اختصاص به مذهب یا ملّت خاصی نداشته است.

تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده اند؛ زیرا لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریع شده است؛ پس در همه ادیان الهی پوشش و حجاب زن واجب گشته است.

در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حجاب زنان امری لازم بوده است. کتاب های مقدس مذهبی، دستورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان الهی، بهترین شاهد و گواه اثبات این مدّعاست.

حجاب در شریعت زرتشت

«آشو زرتشت» با توصیه ها و اندرزهای خود، کوشیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملّی در ظاهر عرف خود رعایت می کنند، در عمق روح آنان متحکّم نماید و از این راه، ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تأمین نماید و بدین سان، جامعه خویش را در مقابل امکان انحراف های اخلاقی پنهان، بیمه کند.

قسمتی از پند و اندرزهایی که «آشو زرتشت» به پیروان خود توصیه نموده را نقل می کنیم، تا این اقدام مهم «آشو زرتشت» بهتر نمایان گردد و حرکت او در جهت تعالی و آموزش ریشه های «حفظ حجاب» و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عَقّت باطن، روشن تر شود.

او می فرماید:

* ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی، بر دیگری پیشدستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی، با خوشی و خرّمی همراه باشد.

* ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گرد دروغ و خوشی های زودگذری که تباه کننده زندگی اند، نگردید؛ زیرا لذّتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده ای است که با شیرینی درآمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها زندگانی گیتی خود را تباه مسازید.

* پاداش رهروان نیکی، به کسی می رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس، چیز دیگری نخواهد بود.

* فریب خوردگانی که دست به کردار زشت می زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است؛ ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش فرا می دهند، آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور خواهد گشت و به نیک نامی جاودانی خواهند رسید. (3)

و در کتاب «وُندی داد» این جمله به طور مکرّر آمده است:

«کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می کند: از تو - ای مرد! - خواهش می کنم پیدایش و فرونی را پاک و

پاکیزه ساز! از تو - ای زن! - خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز! آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود!». (4)

در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می خوانیم:

«این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کُرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است».

دین زرتشت، بر سه اصل اساسی، «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» استوار گشته است. موبدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می گویند:

«یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دیگر دوری جوید».

در اندرز «آذرباد مار اسپند» موبد موبدان آمده است:

«مرد بد چشم را به معاونت خود قبول مکن». (5)

حجاب در شریعت یهود

رواج حجاب در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را مورد انکار یا تردید خود قرار دهد. مورّخین، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به افراطها و سخت گیری های بی شمار آنان نیز در این زمینه تصریح کرده اند. در کتاب «حجاب در اسلام»، آمده است:

«گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام، آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست وجود داشت. در بین این ملت ها وجه و کفّین (= صورت و کف دست ها) هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملت ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از قایم کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادتِ سفت و سخت درآورده بودند». (6)

ویل دورانت، که معمولاً سعی می کند موارد برهنگی یا احیاناً تزیینات و آرایش های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را طبیعی جلوه دهد، در این مورد می گوید:

«در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه فاخر می آراستند، لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم روند. نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست، دست دعا به درگاه خدا بردارد». (7)

او در توصیف زنان یهودی می گوید:

«زندگی جنسی آنان علی رغم تعدّد زوجات، به طرز شایان توجه، منزّه از خطایا بود. زنان آنان دوشیزگانی محجوب، همسرانی ساعی، مادرانی پُرزا، و امین بودند و از آن جاکه زود وصلت می کردند، فحشا به حدّ اقل، تخفیف پیدا می کرد». (8)

در کتاب مقدّس یهودیان، موارد متعدّدی یافت می شود که به طور صریح و یا ضمنی، حجاب و پوشش زن و

مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است. در برخی از آنها لفظ «چادر» و «برقع» به کار رفته است که نشانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر است. اینک به پاره ای از آن موارد اشاره می گردد.

پوشش کامل در مقابل نامحرم

در «سفر پیدایش» تورات، چنین می خوانیم:

و رفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟». و خادم گفت: «آقای من است». پس بُرَقع خود را گرفته، خود را پوشانید. (9)

عدم تشبّه مرد و زن به یکدیگر

در «تورات» آمده است:

«متاع مرد، بر زن روا نباشد و مرد، لباس زن نپوشد؛ زیرا هر که این کند، مکروه یهوه (خدای تو) است». (10)

نزول عذاب در اثر آرایش دختران یهود برای بیگانگان

در «تورات» می خوانیم:

«و خداوند می گوید از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم، راه می روند و به ناز می خرام اند و به پاهای خویش، خلخال ها را به صدا می آورند * بنابراین، خداوند فَرَقِ سر دختران صهیون را گلّ خواهد ساخت و خداوند، عورت ایشان را برهنه خواهد نمود * و در آن روز، خداوند زینت خلخال ها و پیشانی بندها و هلال ها را دور خواهد کرد* و گوشواره ها و دستبندها و روبندها* و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان ها و تعویذها را* و انگشترها و حلقه های بینی را * و رداها و شال ها و کیسه ها را * و آینه ها و کتان های نازک و عمامه ها و بُرَقع ها را * و واقع می شود که: به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موهای بافته، گلی و به عوض سینه بند، زّثار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود * مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد * و دروازه های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست». (11)

در تورات، از چادر و برقع و روبنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشانده اند، صریحاً نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان است.

برای نمونه در کتاب «روت» می خوانیم:

«بوعز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است. و گفت: چادری که بر توست، بیاور و بگیر. پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت». (12)

در مورد عروس یهودا می خوانیم:

«پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرد. بُرَقعی به رو کشید و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، بنشست». (13)

لزوم پوشاندن سر از نامحرمان

ویل دورانت می نویسد:

اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت، و یا در شارع عام نخ می رشت، یا بر هر سخی از مردان، درد دل می کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه ای او را طلاق دهد. (14)

او همچنین می نویسد:

... و به استعمال سرخاب و سرمه، نکوهیده می شمردند. موافق بودند که مرد، باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند؛ لکن غرض آن بود که زن، خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها. (15)

در کتاب «حکمة الحجاب و ادلة وجوب النّقاب»، برای تأیید این که منشأ حجاب زنان یهودی، وجوب حجاب در شریعت موسی (ع) بوده، به داستان حضرت موسی و دختران شعیب اشاره شده است که در آن، حضرت موسی به آنان امر کرد تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند. (16)

حجاب در مسیحیت

همان طور که اشاره شد، ادیان الهی، به خاطر تناسبشان با فطرت و احکام کلی، جهت و شیوه واحدی دارند. در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. «جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می گوید:

«اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است».

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده و قوانین شدید آن را استمرار بخشیده است، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخته است؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدّس محسوب می شد و حتی در کتاب «تاریخ تمدن» آمده است که: ازدواج در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت که تجرّد، مقدّس شمرده شده است جای هیچ شبهه ای باقی نخواهد ماند که برای از بین رفتن تحریک و تهییج، این مکتب، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین، به صورت شدیدتری فراخوانده است.

در این ارتباط، نگاهی به «انجیل» می اندازیم:

«... و همچنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مُزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گران بها* بلکه چنان که زنانی را می شاید که دعوای دینداری می کند به اعمال صالحه *...». (17)

«همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد * چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببینند * و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلّی شدن به طلا و پوشیدن لباس * بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گران بهاست * زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می نمودند و

شوهران خود را اطاعت می کردند * مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید». (18)

همچنین درباره وقار و امین بودن زن می خوانیم:

«و به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبتگو؛ بلکه هوشیار و در هر امری امین». (19)

در روایات ما نیز چنین آمده است:

حضرت عیسی فرمود: از نگاه کردن به زنان بپرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است. (20)

حواریون و پس از آنها پاپ ها و کاردینال های بزرگ که دستوره های دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می شد، با شدتی هرچه تمام تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش های جسمی فرامی خوانده اند.

دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می کند:

«زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، الا آن که در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید.

برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است». (21)

تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است، به وضوح نشان می دهد که حجاب در بین زنان، کاملاً رعایت می شده است. «براون و اشنایدر»، در کتاب «پوشاک اقوام مختلف»، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده اند که نشان می دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می باشند. (22)

حجاب در شریعت اسلام

اسلام که آخرین آیین الهی و بالطبع کامل ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم، نازل شده است، لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریطهایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون، حدّ و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است.

در حجاب اسلامی، سهل انگاری های مضر و سختگیری های بی مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

با توجه به غریزه قدرتمند جنسی، احکام و دستوره های اسلام، تدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این غریزه، تشریح فرموده است.

حجاب در قرآن کریم

در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح، در مورد وجوب حجاب و حد و کیفیت آن نازل شده است. در سوره نور، طی آیه مفصّلی آمده است:

«... و به مردان مؤمن بگو که چشم های خود را فروپوشند و نیز دامان خویش را، که برای ایشان پاکیزه تر است. همانا خداوند به آنچه انجام می دهند، آگاه است. و به بانوان با ایمان بگو چشم های خود را فروپوشند و عورت های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت های خود را جز آن مقداری که ظاهر است، ننمایند و زینت های خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پدر شوهرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، زنان هم کیششان، کنیزانشان، مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند، و یا کودکانی که از امور جنسی بی اطلاع اند (غیر ممیز). و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت های پنهانشان آشکار شود. و همگی به سوی خداوند بازگردید، ای مؤمنان! باشد که رستگار شوید». (23)

همچنین در سوره احزاب آمده است:

«ای پیامبر! به همسران و دختران خویش و بانوان با ایمان بگو که روپوش خود را برگیرند تا به عفاف و حرّیت شناخته شوند و مورد آزار و تعرّض هوسرانان قرار نگیرند و خداوند، آمرزنده و مهربان است». (24)

«ای زنان پیامبر! شما اگر تقوا داشته باشید، همانند دیگران نیستید. بنا براین، هرگز نرم و نازک با مردان، سخن مگویید تا آن که دلش بیمار است، به طمع افتد. بلکه متین و نیکو سخن بگویید و خانه را منزلگاه خویش قرار دهید و هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، (برای نامحرمان) آرایش و خودآرایی نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و رسولش اطاعت نمایید». (25)

حجاب در روایات

پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع) علاوه بر تأکیدی که بر رعایت حجاب داشته اند، با ارائه دستورالعمل هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته اند که در این قسمت، برخی از آنها را نقل می کنیم.

پرهیز از پوشش بدن نما و نازک

روزی، اسماء - که خواهر زن پیامبر بود - ، با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد. پیامبر، روی خود را از او برگرداند و فرمود:

ای اسماء! زن، وقتی به حدّ بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست ها». (26)

نهی از آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه

پیامبر، در ضمن حدیثی، نهی فرمودند از این که زن، برای دیگران، خود را بیاراید، و فرمود: «اگر برای غیر شوهر، خود را آرایش نمود، لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند». (27)

پرهیز زنان از شبیه ساختن خود به مردان

پیامبر (ص) فرمود:

خداوند، مردانی را که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند، نفرین کرده است». (28)

امام باقر (ع) نیز، در ضمن حدیثی فرمودند:

«جایز نیست که زن، خود را شبیه مرد نماید؛ زیرا پیامبر، مردانی را که مشابه زنان می شوند و همچنین زنانی که

خود را شبیه مردها قرار می دهند، نفرین کرده است». (29)

در قرآن و روایات، علاوه بر دستورهایی که در مورد حفظ حجاب زنان آمده است، مسئولیت هایی نیز به مردان واگذار شده است که ذیلًا به آنها اشاره می گردد:

عَقَّتْ نَسَبَ بِنْتِ الْمَرْءِ الْمَرْءِ

پیامبر فرمود:

«نسبت به زنان مردم، عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند». (30)

دوری از چشم چرانی

از امام صادق (ع) نقل شده که می فرماید:

«چشم چرانی، تیری است مسموم از تیرهای شیطان؛ چه بسا، نگاهی که حسرت های طولانی را در پی دارد». (31)

در نگاه فقیهان و دانشمندان مسلمان

همان طور که اشاره شد، حجاب، از ضروریات اسلام است و تمام فِرَق اسلامی، آن را واجب می دانند، و در این که زنان باید به هنگام ادای نماز و در حضور مردان بیگانه، موی سر و تمامی اندام خود را به استثنای صورت و دست ها (از مچ به پایین) بپوشانند، اتفاق نظر دارند؛ البته شافعیان و برخی از علمای شیعه پوشاندن صورت را نیز در حضور بیگانگان، لازم شمرده اند.

پایان این نوشتار را به پرسشی از امام خمینی (ره)، در مورد حجاب و حد آن، و پاسخ ایشان، که می تواند نشانگر نظرات دانشمندان مسلمان باشد، اختصاص می دهیم:

آیا حجاب از ضروریات اسلام است و منکر آن و کسانی که به این دستور الهی مخصوصاً در جامعه اسلامی بی اعتنایی می کنند، چه حکمی دارند؟

اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است، مگر این که معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست.

حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، لباس آزاد و شلوار و روسری کفایت می کند؟ و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

واجب است تمام بدن زن بجز قرص صورت و دست ها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند، مانعی ندارد؛ ولی پوشیدن چادر، بهتر است و از لباس هایی که توجّه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود. (32)

بررسی نهایی

از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در ادیان چهارگانه استنباط می گردد که حجاب در ادیان دیگر، نسبت به اسلام از شدّت بیشتری برخوردار بوده است. به طور مثال، پوشاندن صورت، گرچه در زمان زرتشت معمول نبوده و بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است، اما طبق آنچه گذشت، چادر و روبنده از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می شده است؛ درحالی که بنابر نظر اکثر فقهای اسلامی، پوشاندن صورت واجب نیست. لزوم کناره گیری کامل زن در حیض در دین زرتشت، محق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده بدون پرداخت مهریه از طرف دین یهود، رکن بودن چادر و روبند و ذکر نام آن دو به طور صریح در کتاب مقدّس مسیحیان و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت، بهترین گواه بر این مطلب است.

بنابراین، نه تنها اسلام واضع قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریطهایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است.

منبع: حجاب در ادیان الهی، علی محمدی، انتشارات اشراق

پی نوشت ها :

- 1 . تورات، سفر پیدایش، باب 3، آیات 6 - 8 و 20 - 21.
- 2 . سوره اعراف، آیه 22.
- 3 . یسنا، ص 53، پنجاهی 5 - 8 به نقل از: آموزش های زرتشت پیامبر ایران، رستم شهرزادی، انجمن زرتشتیان، آبان 76.
- 4 . وندی داد، ص 275، بند 10.
- 5 . سال نمای 1372، انجمن زرتشتیان تهران، ص 10.
- 6 . حجاب در اسلام، ابوالقاسم اشتهااردی، ص 50.
- 7 . تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج 12، ص 62.
- 8 . همان، ص 63.
- 9 . سفر پیدایش، باب 24، فقره 64 و 65. به گفته مرجع مذهبی یهودیان ایران «خاخام اوریل داودی»، منشأ و وجوب حجاب در شریعت یهود، مستند به همین فقره است.
- 10 . تورات، سفر تثئیه، باب 22، فقره 5.
- 11 . تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره 16 - 26.
- 12 . تورات، کتاب روت، باب دوم، فقره 8 - 10.
- 13 . تورات، سفر پیدایش، باب 38، فقره 14 و 15.
- 14 . تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج 12، ص 30.
- 15 . همان، ص 31.
- 16 . ر.ک: حکمة الحجاب وادلة وجوب النقاب، ص 252.
- 17 . انجیل، رساله پولس به تیموناؤس، باب دوّم، فقره 9 - 15.
- 18 . انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره 1 - 6.
- 19 . انجیل، رساله پولس رسول به تیموناؤس، باب سوم، فقره 11.
- 20 . سفینه البحار، ج 2، ص 596.
- 21 . زن و آزادی، حکیم الهی، ص 53.
- 22 . پوشاک اقوام مختلف، براون و اشنايدر، ص 116.
- 23 . سوره نور، آیه 31.

- 24 . سورة احزاب، آیه 59.
- 25 . سورة احزاب، آیه 32.
- 26 . سنن ابی داود، ج 2، ص 383.
- 27 . بحارالأنوار، ج 103، ص 242.
- 28 . همان جا.
- 29 . همان، ص 258.
- 30 . وسایل الشیعة، ج 14، ص 141.
- 31 . همان، ج 14، ص 138.
- 32 . احکام بانوان، محمد وحیدی، ص 37.